

Geopolitics of Iran's Energy and Foreign Policy (1979-2018)

Hossein Masoodipour[—]

Received: 2019/05/30

Hossein Karimifard[—]

Accepted: 2019/09/16

Bahram Yoosefi[—]

Fereydoon Akbarzadeh[—]

The main issue in this research is the study of the impact of the geopolitics of energy on Iran's foreign Policy and how to exploit and use those components for the dynamism and effectiveness of foreign policy. This paper was conducted with the aim of investigating the geopolitics of Iranian energy and foreign policy (1397-1357) by descriptive analysis. In response to the main question of research: what is the impact of energy geopolitics on Iran's foreign policy (1396-1357)? The results show that energy in the 1950s played an important role in regulating Iran's foreign policy relations with the outside world. After the victory of the revolution, the link between energy, economic growth and military reinforcements were completely cut off. Meanwhile, energy was not seen as a means to boost the country's military base or dominate the region, but rather as a leverage against "global arrogance." In the 1990s, the approach to interacting with international actors and tensions in Iran's foreign policy is at the top of the government agenda, and by using energy strategy and geopolitics, it is trying to engage with major energy consuming countries, which are also capital and technology owners. Gets From 2005 to 1392, this policy of tensions in Iran's foreign policy, along with centrality of justice and a look into the East, was there; in the geopolitical field of oil and gas, during this period, the leverage of the pressure (sanctions) was shaken seriously on Iran. . Since 2013, Iran's foreign policy has seen two different programs on energy geopolitics, in the first part of the boom period in the discussion of energy interactions, and in the second half, with the dependence of the Islamic Republic of Iran on energy revenues in the present era, And the role of the Islamic Republic of Iran in providing energy has been challenged.

Keywords: Energy, Foreign policy, Geopolitics, I.R. Iran, Oil, Persian Gulf.

— ph.D. Student in Department of International Relations, Avaz Branch, Islamic Azad University, Avaz, I.R.Iran. h.massoudipour@gmail.com

— Associate Professor in Department of Political Science, Avaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, I.R.Iran. (Corresponding Author). hkarimifard@yahoo.com

— Assistant Professor in Department of Political Science, Avaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, I.R.Iran. brmyousefi@gmail.com

— Assistant Professor in Department of Political Science, Avaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, I.R.Iran. drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com

دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص. ۴۸۹-۵۱۴

ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۳۵۷)^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

حسین مسعودی پور*

حسین کریمی فرد**

بهرام یوسفی***

فریدون اکبرزاده****

چکیده

ایران به عنوان کشوری که در بحث انرژی دارای موقعیتی خاص است، به میزان قابل توجهی از عامل «ژئوپلیتیک انرژی» در سیاست خارجی‌اش بهره می‌برد. این مقاله با هدف بررسی ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران (۱۳۹۶-۱۳۵۷) به روش تحلیل اسنادی به انجام رسیده است. سؤال اصلی پژوهش عبارتست از: ژئوپلیتیک انرژی چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران (۱۳۹۶-۱۳۵۷) داشته است؟ نتایج نشان می‌دهد: با پیروزی انقلاب اسلامی، پیوند میان انرژی، رشد اقتصادی و تقویت نظامی برای مدتی تضعیف و حتی قطع گردیده که متعاقباً در قالب الگوهای مختلفی احیاء و بازتولید می‌شود. در این میان انرژی نه به منزله ابزاری کارآمدی جهت تقویت بنیه نظامی کشور و یا تسلط بر منطقه، بلکه همچون اهرمی علیه «استکبار جهانی»، موردنظر قرار گرفت. در دهه ۱۳۸۰ رویکرد تعامل با بازیگران نظام بین‌المللی و تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران در صدر برنامه‌های دولتی قرار دارد، و با استفاده از استراتژی و ژئوپلیتیک انرژی سعی در تعامل با کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی که صاحبان سرمایه و تکنولوژی نیز هستند، می‌شود. از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ نیز این سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران به همراه عدالت‌محوری و نگاه به شرق وجود دارد؛ در زمینه ژئوپلیتیک انرژی نفت و گاز در این دوران اهرم فشار (تحریم) به صورت جدی و شدید بر ایران سایه افکنده بود.

واژگان کلیدی: انرژی، جمهوری اسلامی ایران، خلیج فارس، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، گاز، نفت.

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، جمهوری اسلامی ایران.

h.massoudipour@gmail.com

** دانشیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

Hkarimifard@yahoo.com

*** استادیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، جمهوری اسلامی ایران.

brmyousefi@gmail.com

**** استادیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، جمهوری اسلامی ایران.

Drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com

مقدمه

بیان مسئله: تحلیل‌های جاری حکایت از افزایش تعداد عوامل مؤثر در طراحی و سیاست خارجی کشورها دارد. از این منظر برای برخی از کشورها - همچون جمهوری اسلامی ایران - ملاحظات مربوط به انرژی و تأثیرات ژئوپلیتیکی دارای نقش متمایزی هستند. بر این اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل تأثیراتی است که از ناحیه ژئوپلیتیک انرژی می‌تواند در حوزه سیاست خارجی ایران رخ دهد.

اهمیت: موضوع این پژوهش دارای اهمیت راهبردی برای ایران است؛ چرا که ایران هم از مؤلفه‌های برجسته‌ای در حوزه ژئوپلیتیک برخوردار است و هم در بازار انرژی جهانی، ایفای نقش می‌کند.

ضرورت: با توجه به محدودیت‌های اعمال شده در حوزه سیاست خارجی ایران، لازم می‌آید تا به تجارب پیشین ایران و سازوکارهای استفاده از ظرفیت‌های ایران توجه بیشتری صورت گیرد تا از این طریق کارآمدی سیاست خارجی ایران افزایش یابد. بر این اساس انجام پژوهش‌هایی از این قبیل، دارای ضرورت کاربردی است.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش کمک به ارتقای الگوی طراحی و اجرای سیاست خارجی ایران با تمرکز بر عامل مهم ژئوپلیتیک انرژی است. در این راستا ارزیابی انتقادی وضعیت موجود و برجسته‌سازی نقش عامل ژئوپلیتیک و انرژی نیز دنبال می‌شود.

سؤال‌ها: پرسش اصلی عبارتست از: ژئوپلیتیک انرژی چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۶ داشته است؟ در همین ارتباط پرسش از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک انرژی و الگوی طراحی سیاست خارجی ایران؛ به عنوان سؤال‌های فرعی طرح و پاسخ داده می‌شوند.

روش: تحقیق حاضر از نوع توسعه‌ای بوده و پژوهشگر رویکرد توصیفی - تحلیلی را برای این منظور انتخاب نموده است. بر این اساس طراحی الگوی تحلیل حائز اهمیت بوده و برای این منظور محقق اقدام به ترکیب چهار نظریه آلفرد ماهان، اسپایکمن، جفری کمپ و بالاخره نظریه کوهن نموده تا الگویی نسبتاً جامع را برای تحلیل داده‌هایی که با تکنیک اسنادی گردآوری شده‌اند، فراهم سازد.

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با ژئوپلیتیک، دیدگاه‌ها و متون متعددی طرح و منتشر شده که با توجه به رویکرد پژوهش حاضر که بر ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی استوار است، می‌توان آنها را به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۱-۱. متونی که به ژئوپلیتیک انرژی و چالش‌ها و تحولات آن پرداخته‌اند. در این متون نویسندگان ژئوپلیتیک انرژی را به عنوان متغیر اصلی در نظر گرفته و به نقش مهم خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی اشاره کرده و چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیک انرژی را توصیف کرده‌اند. برای مثال می‌توان به این منابع اشاره داشت: (Hon Gary (2014) و Chris (2018).

۲-۱. متونی که به رابطه ژئوپلیتیک با سیاست خارجی پرداخته‌اند. در این متون به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها نسبت به ژئوپلیتیک نفت پرداخته و آن را جزء لاینفک اقتصاد دانسته‌اند. در این خصوص نیز می‌توان به این منابع اشاره کرد: برکشلی (۱۳۹۴)، میرترابی (۱۳۸۴)، اطاعت و نصرتی (۱۳۹۲)، کرمی و همکاران (۱۳۹۷)، قالیباف و همکاران (۱۳۹۳) و محمدزاده (۱۳۹۴).

۳-۱. متونی که به ژئوپلیتیک و امنیت انرژی پرداخته‌اند. در این متون به بیان امنیت انرژی و ژئوپلیتیک انرژی، تحولات و فرایندهای جاری و پیامدهای شگرف و مستقیمی که بر امنیت و منافع ملی کشورها به خصوص در گستره حیات فرهنگی - سیاسی آنان خواهد گذاشت می‌پردازد. در این خصوص می‌توان به این منابع اشاره کرد: محرابی و دیگران (۱۳۹۲)، ترکمان (۱۳۹۲)، مهدیان و فخری (۱۳۹۰)، یزدانی و شجاع (۱۳۸۶) و Debin and et.al (2018).

چنانکه ملاحظه می‌شود عمده متون موجود از حیث تعریف نوع رابطه بین متغیرهای پژوهش، با نوشتار حاضر متفاوت هستند. بدین معنا که عمدتاً به انرژی و سیاست خارجی و یا امنیت ملی توجه شده و از عامل «ژئوپلیتیک انرژی» کمتر سخن به میان آمده که نوآوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

۲. مبانی مفهومی

۲-۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک به عنوان تحلیل تعامل میان زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرایندهای سیاسی از سوی دیگر مطرح است. زمینه‌ها از ویژگی و الگوهای جغرافیایی و «مناطق چند لایه» منتج از آنها، ترکیب یافته‌اند. «فرایندهای سیاسی» نیز شامل نیروهای در سطوح بین‌المللی و داخلی (که بر رفتار بین‌المللی تأثیرگذار هستند) می‌شوند. زمینه‌های جغرافیایی و فرایندهای سیاسی هر دو پویا بوده و بر یکدیگر تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند. در این رابطه، ژئوپلیتیک پیامدهای این تعامل را مورد بررسی قرار می‌دهد (کوهن، ۱۳۸۷، ص. ۴۳). با این توصیف می‌توان ژئوپلیتیک را مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به‌ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی تعریف نمود (Taylor, 1994, p. 330).

۲-۲. ژئوپلیتیک انرژی

مطالعه و ارزیابی نقش انرژی و تأثیر بُعدهای آن بر متغیرهایی چون سیاست، قدرت و ارتباطات پیچیده بین ملت‌ها و دولت‌ها در حیطه ژئوپلیتیک انرژی می‌باشد. نفت و گاز به عنوان مهمترین انرژی‌های فسیلی به واسطه دارا بودن امتیازی بالا در فهرست انرژی جهان، موقعیت مهمی در مناسبات بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۲). انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک جایگاه ویژه‌ای را در بازی‌های قدرت‌های نظام جهانی باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهانی، اهمیت راهبردی دارد (مهدیان و فخری، ۱۳۹۰، ص. ۵۰).

۲-۳. سیاست خارجی

سیاست خارجی عبارت است از: تعیین و عمل به یک سلسله سیستماتیک از اهداف و منافع ملی، که در صحنه بین‌المللی به‌وسیله دولت‌ها انجام می‌شود. سیاست خارجی قادر به ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها است. از این منظر می‌توان سیاست خارجی را شامل موضع‌گیری‌های دولت‌های ملی در قبال دیگران با هدف حداکثرسازی منافع ملی تعریف نمود (نک. بشیریه، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۵).

۳. مبانی نظری

در ارتباط با متغیر اصلی این پژوهش - یعنی سیاست خارجی - نظریه‌های مختلفی بیان شده که پذیرش هر یک در تبیین نوع رابطه سیاست خارجی با ژئوپلیتیک مؤثر است. با این توضیح مهم‌ترین رویکردهای نظری عبارتند از:

۳-۱. نظریه آلفرد ماهان^۲

آلفرد ماهان اولین شرط لازم برای کسب قدرت جهانی را سلطه و نظارت بر دریاها می‌دانست. وی معتقد بود که ایران گذرگاه دسترسی قدرت روسیه به سمت جنوب و اقیانوس هند است و از این رو پیشنهاد می‌داد جهت عقب راندن روسیه باید در ایران یک مانع و سد نفوذ ایجاد کرد که چنین تفکری در تصمیمات بریتانیا و در رابطه با روسیه اعمال می‌شد و بریتانیا به عنوان محور قدرت دریایی از بالکان تا پامیر مراقب قدرت روسیه بود. این نقش را پس از جنگ جهانی دوم آمریکا بر عهده گرفت (حافظنیا، ۱۳۹۶). متصل بودن کشور جمهوری اسلامی ایران به دریای آزاد از طریق خلیج فارس و دریای عمان نشان‌دهنده اهمیت ایران در نظریات ژئوپلیتیک، خصوصاً نظریه قدرت دریایی ماهان است. با توجه به اینکه مکزیک در نظریه خود مناطق اطراف هارتلند و منطقه ژئواستراتژیک بری را به دو ناحیه، هلال داخلی و هلال خارجی تقسیم می‌کند و ایران را قلب منطقه خاورمیانه و فلات ایران را به عنوان بخشی از هلال داخلی به حساب می‌آورد، از این رو به دلیل رقابت قدرت زمینی برای راهیابی به هلال داخلی، جایگاه ایران در این نظریه مهم تلقی می‌شود (درایسدل و السدیر، ۱۳۷۰، ص. ۱۲).

۳-۲. نظریه نیکولاس اسپایکمن^۳

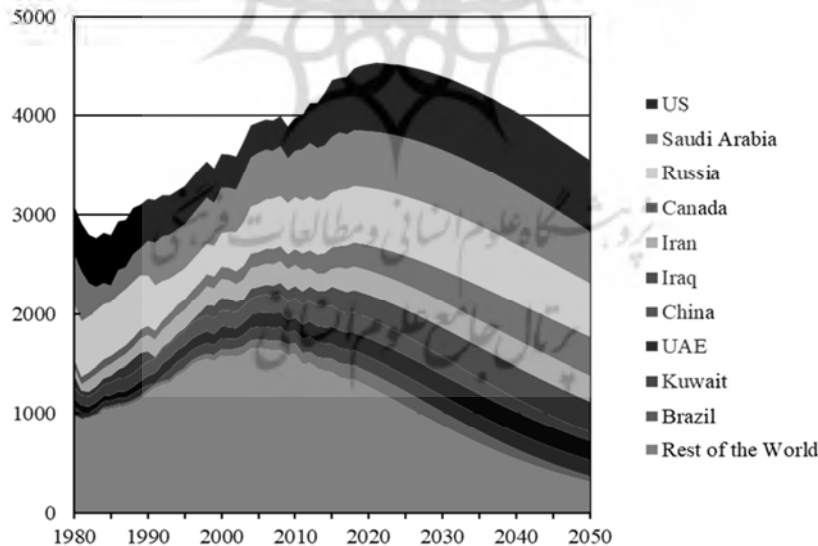
اسپایکمن اعتقاد داشت که هر کس بر ناحیه ریملند کنترل داشته باشد، می‌تواند سرنوشت جهان را رقم بزند. در نظریه اسپایکمن کشورهایی که از یک سو به دریا و از سوی دیگر به خشکی متصل بودند و هویت‌های دوگانه داشتند از اهمیت شایان توجهی دارا بودند، با توجه به اینکه این گونه کشورها طبیعتی دوگانه دارند قدرت‌های بری و بحری هر دو آنها را به سمت خود می‌کشند (حافظنیا، ۱۳۷۹). مطابق منظر او سواحل ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز به ایران موقعیت ریملندی می‌دهد و بنابراین می‌تواند از امتیاز قدرت‌های بری و بحری به صورت توأمان برخوردار گردد.

۳-۳. نظریه جفری کمپ^۴

جفری کمپ، تحت تأثیر بیضی انرژی جهانی از نظریه هارتلند مکیندر بوده است (کمپ، ۱۳۸۶، ص. ۱۳). کمپ ایران را در نقطه وسط بیضی استراتژیک انرژی (هم نفت و هم گاز) در نظر گرفته است. از دیدگاه کمپ، محل پیوند قاره های آسیا، اروپا و آفریقا ایران است. تحقیقات نشان می دهد، اقتصاد جهانی در آینده نیز همچنان به انرژی نفت وابسته است. در صورتی که میزان تقاضای جهانی نفت طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ سالانه به طور متوسط ۱/۹ درصد افزایش می یابد که بیشترین رشد در این زمان به ترتیب اختصاص به کشورهای چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی دارد. با این همه بیشترین میزان تقاضای جهانی انرژی را کشورهای آمریکای شمالی دارا خواهند بود؛ به طوری که میزان تقاضای کشورهای یاد شده در سال ۲۰۳۰ حدوداً ۳۰/۶ میلیون بشکه در روز بوده که این میزان حدود ۲۷ درصد تقاضای جهانی نفت تخمین زده شده است.

نمودار شماره (۱): میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت جهانی تا سال ۲۰۵۰

World Historical and Projected Oil Production
(Million Metric Tons, 1980-2050)



Source: World Oil 2018-2050: World Energy Annual Report

۳-۴. نظریه سوئل بی کوهن^۵

کوهن دو نظریه در زمینه ژئوپلیتیک دارد. در نظریه نظام ژئوپلیتیک جهانی، کشورهای جهان را دارای یک نظام سیستماتیک معرفی کرده است که با هم تعاملات منظمی داشته و بر اساس این تعاملات همه‌جانبه که بوجود آورنده همبستگی و انسجام است، سیستم رشد و توسعه می‌یابد. از جمله عواملی که به این توسعه و پویایی دامن می‌زنند: علم و تکنولوژی هستند. کوهن معتقد است رویکرد سیستماتیک به ژئوپلیتیک جهانی بر خلاف دیدگاه‌های کلاسیک به توسعه همبستگی، همگرایی، همزیستی و صلح بین اجزاء سیستم منجر می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص. ۹). کوهن منطقه خاورمیانه به همراه مصر و سودان و بخشی از لیبی را به دلیل آنچه که وجود دولت‌های اشغال شده و یا در حال کشمکش می‌خواند که بین منافع متضاد کشورهای بزرگ گیر کرده‌اند، به عنوان کمربند خرد شده معرفی می‌کند (درایسدل و السدیر، ۱۳۷۰، ص. ۳۴). در این نظریه ایران به دلیل قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از شش قدرت منطقه‌ای مطرح می‌باشد که در خردشدگی منطقه سهیم است.

بررسی نظریه‌های بالا حکایت از آن دارد که ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و بهره‌مندی‌اش از ذخایر راهبردی انرژی، جزو کشورهای محوری و اساسی در عرصه روابط و مناسبات منطقه‌ای و جهانی بوده و خواهد بود. بنابراین ژئوپلیتیک انرژی به صورت مستقیم و غیرمستقیم سیاست خارجی کشور ما را به شدت متأثر خواهد ساخت.

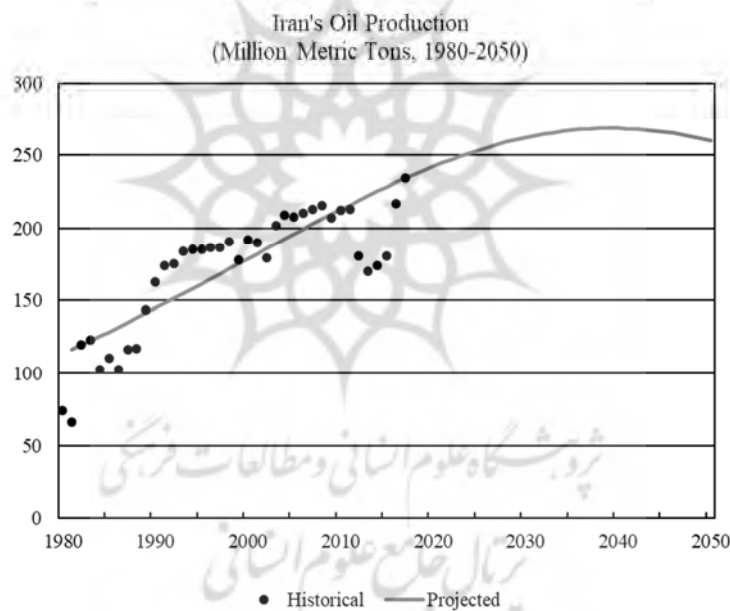
۴. ژئوپلیتیک انرژی ایران

ایران در زمینه امنیت بین‌المللی انرژی، به عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان انرژی در دنیا است که جایگاهی برتر داشته و با تولید ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه نفت، ۱۰/۹ درصد از منابع جهانی نفت را از آن خود کرده است. بر اساس گزارش جهانی سالانه انرژی ۲۰۱۸-۲۰۵۰، در سال ۲۰۱۷، ایران ۲۳۴ میلیون تن نفت (۵,۰ میلیون بشکه در روز) تولید کرده و چهارمین تولیدکننده نفت جهان در دوره بشکه بود. ایران ۵,۳ درصد تولید نفت جهان را به خود اختصاص داده است.

۴-۱. روندهای آتی

از سال ۱۹۷۹، تولید نفت ایران به علت عدم توانایی‌های ژئوپلیتیک، به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. این گزارش فرض می‌کند که منابع نفتی در نهایت قابل بازیافت ایران، به صورت تولید انباشته تاریخی و ذخایر رسمی است. تولید انباشته شده ایران تا سال ۲۰۱۷، برابر با ۱۰ میلیارد مترمکعب بود و منابع نفت قابل بازیافت در نهایت به ۳۲ میلیارد مترمربع در سال ۲۰۱۸ رسیده است. بر اساس این فرضیه‌ها، تولید نفت ایران در سال ۲۰۳۹ به ۲۶۷ میلیون تن می‌رسد. شکل زیر تولیدات تاریخی و پیش‌بینی شده نفت ایران را نشان می‌دهد.

نمودار شماره (۲): تولیدات تاریخی و پیش‌بینی شده نفت ایران



در حوزه گاز طبیعی هم ایران با ۲۹/۶۱ تریلیون مترمکعب معادل ۱۶ درصد منابع گاز در دنیا، رتبه نخست را در خاورمیانه و دوم را در جهان دارد، بنابراین بر اساس تولیدات فعلی عمر آن را حدوداً ۲۰۰ سال برآورد کرده‌اند.

جدول شماره (۱): برآورد میزان تولید و مصرف گاز کشورهای خلیج فارس تا پایان سال ۲۰۱۱

کشور	تریلیون مترمکعب	درصد از کل	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)
عربستان	۷/۵۷	۴/۱	۷۸/۱	۷۸/۱
ایران	۲۹/۶۱	۱۶/۰	۱۱۶/۳	۱۱۷/۶
عراق	۳/۱۷	۱/۷	-	-
کویت	۱/۷۸	۱	۱۲/۸	۱۲/۸
امارات	۶/۴۳	۳/۵	۵۰/۲	۵۸/۱
قطر	۲۵/۴۶	۱۳/۸	۷۶/۶	۱۹/۸
بحرین	۰/۰۹	-	۱۳/۴	-
عمان	۰/۹۸	۰/۵	۲۴/۱	-
کل منطقه خلیج فارس	۷۵/۰۹	۴۰/۶	-	۲۸۶/۴

Source: BP Statistical Review of World Energy 2012

مناطق بزرگ و گسترده ذخایر گازی دنیا (خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی) ۷۰/۲ درصد گاز دنیا را از آن خود کرده‌اند که با اصطلاح «بیضی استراتژیک» ذخایر گازی جهان شناخته شده‌اند. بازار بزرگ مصرف اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا ذخایر گازی گفته شده را در خود جای داده‌اند (ویسی، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۲).

۴-۲. اهمیت فزاینده انرژی

اهمیت انرژی، شامل نفت و گاز و سایر حامل‌های انرژی نو و فسیلی تا حدی است که اقتصاد درهم تنیده جهانی را به تنهایی معنا بخشیده و آن را پرفروغ‌تر از سایر مؤلفه‌های اقتصادی ساخته است؛ به گونه‌ای که در قرن جاری، پیوند انرژی و سیاست، پیوند اقتصاد و سیاست را ترجمان نموده است. همچنان که کلیوند^۱ و کافمن^۲ بیان کرده‌اند: «نفت نیروی حیاتی تمدن صنعتی، هم به عنوان سوخت و هم به عنوان ماده خام شیمیایی است. بر این اساس تقریباً هر فعالیت بسری در کشورهای صنعتی به طور مستقیم و غیرمستقیم از نفت استفاده می‌کند. این نویسندگان در ادامه استدلال خود راجع به اهمیت جنبه‌های مرتبط با انرژی می‌افزایند؛ «این نباید ما را متعجب سازد؛ چرا که نتیجه تولید ناخالص داخلی، سطوح قیمت‌ها، بیکاری، و دیگر شاخص‌های رفاه - اقتصادی با قیمت نفت

تنظیم می‌شود» (Cleveland, 2003, p. 488). دیننگ فنگ و همکاران^۸ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی امنیت انرژی پایدار در چین» معتقد است: ایجاد سیستم نظری ارزیابی انرژی دارای اهمیت تئوری و عملی است، این مهم برای تضمین توسعه ایمن و پایدار امنیت انرژی در مرحله توسعه ملی و بازتاب توسعه پایدار انرژی ملی مطابقت دارد، امنیت انرژی پایدار باید امنیت عرضه و تقاضای انرژی را در نظر بگیرد.

۴-۳. افزایش قیمت انرژی

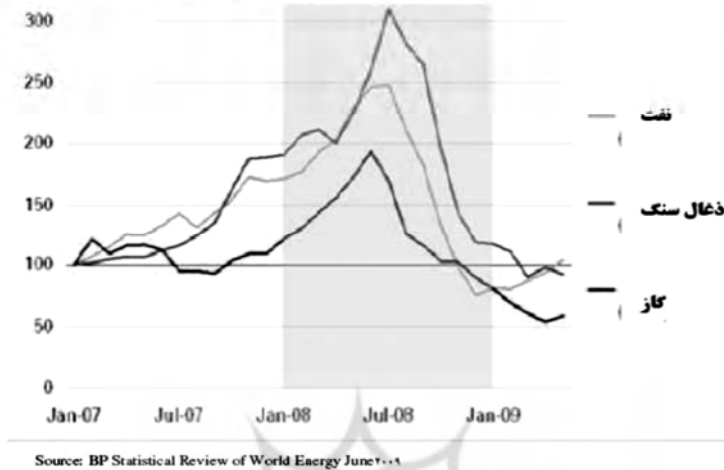
بر اساس چشم‌انداز انرژی سال ۲۰۱۸؛ قیمت نفت بر اساس توازن بازار جهانی است که عمدتاً تحت تأثیر عوامل خارجی قرار دارد. گزارش نفت ۲۰۱۸ معتقد است: پیش‌بینی می‌شود که تقاضای تولید انرژی تا سال ۲۰۲۳ به میزان بالایی برود.

نمودار شماره (۳): تقاضای رشد جهانی نفت تا سال ۲۰۲۳



حتی برخی برآنند که قرن موجود قرن انرژی است و بخش قابل ملاحظه‌ای از قابلیت‌ها، رفاقت‌ها، همکاری‌ها و منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای تحت تأثیر مقوله انرژی قرار دارد (Tricks, 2018) و هر کشوری که بر ذخایر انرژی اعم از نفت و گاز و سایر حامل‌های انرژی سلطه بیشتری داشته باشد، از مهم‌ترین اهرم‌ها و ابزارهای برتری و تفوق برخوردار است.

نمودار شماره (۴): روند قیمت‌های حامل‌های انرژی طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹



در حقیقت تا پیش از دهه ۱۹۷۰، انرژی صرفاً مقوله‌ای اقتصادی بود و نفت و گاز و سایر مشتقات آنها، در زمره کالاهای تجاری قرار داشتند و داد و ستد می‌شدند، اما پس از آن، انرژی در شمار مقولات استراتژیک قرار گرفت و کنترل و مدیریت آن اهمیتی حیاتی یافت؛ زیرا به همان اندازه که انرژی موتور محرکه اقتصادی است، موتور محرکه قدرت و سیاست نیز هست؛ از این‌رو، دیپلماسی معطوف به انرژی، دیگر دیپلماسی تجاری و مبادله‌ای همیشگی نیست، بلکه دیپلماسی انرژی از جنس مدیریت استراتژیک است که بقا و اقتدار یک کشور را تضمین می‌کند؛ به همین علت، لزوم شناخت و تبیین رابطه فعال و عامل مؤثر میان صنعت انرژی و دستگاه دیپلماسی یک کشور بیش از هر زمان دیگر موضوعیت یافته است.

۴-۴. موقعیت راهبردی ایران

قابلیت‌های ژئواکونومیک ایران و موقعیت ژئوپلیتیکی خاص آن و ذخایر عظیم و فراوانش موجبات برآورده کردن نیازهای کشورها را فراهم آورده است؛ ایران در دهه‌های اخیر در ژئوپلیتیک گاز، نقش تعیین‌کننده و کلیدی و راهبردی در امنیت، می‌تواند داشته باشد. بنابراین، ایران با داشتن جایگاه برتر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با دارا بودن ذخایر فراوان نفت و گاز در جهان و حضور مستمر در جبهه انرژی و موقعیت جغرافیایی

استراتژیک، در حوزه خلیج فارس و دریای خزر و همجواری با آسیای مرکزی، می‌تواند عامل پیوند میان منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرقی به وسیله خطوط لوله به مصرف‌کنندگان آسیایی باشد. ایران به واسطه داشتن ذخایر بزرگ گاز جهان و همسایگی با دو منطقه گسترده مصرف‌کننده گاز یعنی هند و چین در شرق و اروپا در غرب، توانسته است جایگاهی مهم در حیطه منابع هیدروکربوری به دست آورد. اما کارشکنی‌های پی‌درپی از سوی ایالات متحده و عربستان سعودی و دیگر رقبای منطقه‌ای در خلیج فارس از تمایل کشورهای خواهان انرژی ایران نکاسته است و این جایگاه ژئواکونومیک و به دنبال آن نقش تجاری و اقتصادی منطقه خاورمیانه و در قلب آن ایران اهمیت ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

خلیج فارس از موقعیتی ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومی بی‌مانند برخوردار است که بی‌تردید در آینده، به علت کاهش تولید نفت جهانی و ارزان و کم‌هزینه بودن بهره‌برداری از نفت، اهمیت دوچندانی پیدا خواهد کرد. بر اساس برآورد بریتیش پترولیوم، منطقه خلیج فارس در حوزه ذخایر گازی جهان، بالغ بر ۷۵ میلیارد متر مکعب ذخایر طبیعی دارد، که معادل ۴۰ درصد از ذخایر جهانی گاز می‌شود. از این رقم، ۱۵٫۸ درصد از آن سهم ایران و ۱۳٫۵ درصد سهم قطر است؛ که به ترتیب در رتبه دومین و سومین دارندگان بزرگ ذخایر گاز جهانی هستند. اهمیت نفت خلیج فارس، در گزارش «سیاست ملی انرژی آمریکا» مورد تأکید قرار گرفته است، در این سند آمده است که در سال ۲۰۲۰ م. تولیدکنندگان نفت خلیج فارس بین ۵۴ تا ۶۷ درصد عرضه نفت جهانی را در اختیار خواهند داشت. بنابراین پر واضح است که اقتصاد بین‌المللی به عرضه نفت از سوی کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، به ویژه کشورهای خلیج فارس وابسته خواهد شد. بر این اساس، نتیجه‌گیری شده که منطقه خلیج فارس برای منافع آمریکا، امری حیاتی است و خواهد بود (National energy policy, 2001).

بنابراین، امنیت ایران و محیط اطرافش برای نظام بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین خاطر ذخایر هارتلند انرژی از یک سو و افزایش تقاضای مصرف جهانی از طرف آمریکا و متحدانش مخالفت و رویارویی با ایران قابل پیش‌بینی و تبیین خواهد بود.

۵. یافته‌های پژوهش

با توجه به آمارها و تحلیل‌های ارائه شده در بند پیشین، حال می‌توان مهمترین مؤلفه‌های راهبردی ناظر به جایگاه و رفتار سیاست خارجی ایران را با عنایت به ژئوپلیتیک انرژی به شرح زیر بیان نمود:

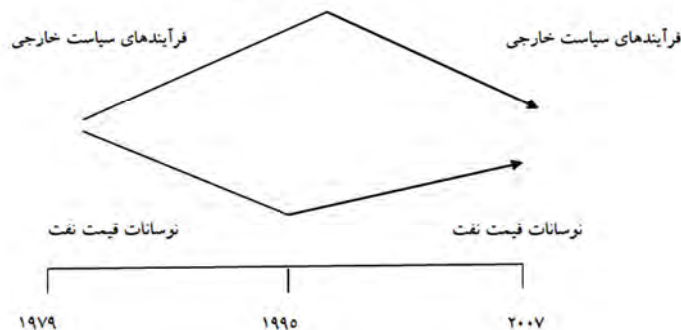
۵-۱. زمینه‌سازی برای حفظ جایگاه جهانی ایران در بازار انرژی

در چشم‌انداز صنعت نفت و گاز ایران در افق ۱۴۰۴ اهداف متنوعی ذکر شده است که برخی از آنان در جهت اصلاح الگوی مصرف و برخی دیگر در راستای تعیین میزان تولید و صادرات است. با بررسی روند وضعیت کشور در تولید و مصرف نفت، چهار سناریو از ترکیب پیش‌بینی تولید و مصرف نفت ارائه می‌شود. یکی از اهداف، حفظ جایگاه ظرفیت دومین تولیدکننده نفت خام در اوپک است که مستلزم حفظ فاصله مناسب از نظر ایجاد ظرفیت تولید با سایر رقبای این جایگاه می‌باشد. طبق این سند چشم‌انداز، ایران در سال ۱۴۰۴، سهم ۷ درصدی از عرضه نفت دنیا را خواهد داشت. در حال حاضر میزان مصرف دنیا ۸۴/۵ میلیون بشکه در روز می‌باشد (ترازنامه هیدروکربوری کشور ۱۳۸۷) که ۷ درصدی آن ۵/۶ میلیون بشکه در روز خواهد شد. البته به این مقدار باید سهم افزایش تقاضای جهانی تا ۱۴۰۴ نیز اضافه گردد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که طبق سند چشم‌انداز صنعت نفت، تولید ایران تا ۱۵ سال آینده باید به میزان ۲ میلیون بشکه در روز بیشتر شود.^۹

۵-۲. ایجاد توازن بین انعطاف‌پذیری سیاست خارجی و قیمت نفت

نقش نفت و درآمدهای حاصل از آن را در سیاست خارجی کشورهای وابسته به این ماده حیاتی می‌توان از طریق «لوزی پتروپلیتیک» بیان نمود. این لوزی نشان‌دهنده رابطه‌ای مستقیم بین سیاست خارجی و درآمدهای به دست آمده از نوسانات قیمت نفت است. دو اصل در این محور نشان داده شده است؛ انعطاف‌پذیری در حوزه سیاست خارجی مربوط به محور اول، و محور دوم، که دارای رابطه معکوس با محور اصل است، نشان‌دهنده مؤلفه دیگری به نام قیمت نفت است. شواهد نشان می‌دهد، افزایش قیمت نفت کاهش میزان انعطاف‌پذیری کشورها در حوزه سیاست خارجی را به دنبال خواهد داشت (متقی، ۱۳۸۹: ۳۰۹).

نمودار شماره (۵): لوزی پتروپلیتیک



نقطه مشترک بین نفت و سیاست خارجی در کشورهای صادرکننده نفت، منافع ملی است. این کشورها سیاست‌های نفتی خود را بر اساس منافع ملی خویش اتخاذ می‌نمایند و برای کشورهای متکی به آن نه تنها در شاخص‌های اقتصادی اهمیت دارد بلکه به عنوان یک پدیده استراتژیک در امنیت ملی و سیاست خارجی آنها مطرح است. از این رو باید به گونه‌ای عمل نمایند تا مؤلفه‌های آن منافع ملی نظیر امنیت و توسعه اقتصادی کشور تأمین شوند. بنابراین نفت می‌تواند در یک زمان برای کشورهای تولیدکننده دو نقش اساسی را بازی کند، یعنی هم به عنوان منبع سرشار درآمد اقتصادی و هم به عنوان ابزار سیاست خارجی (اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۲، ص. ۳۸۸).

۳-۵. تنظیم سیاست خارجی متناسب با تجارب تاریخی از تحولات انرژی در منطقه و جهان

بررسی تاریخ تحول سیاست خارجی ایران نشان از نقش راهبردی نفت (قیمت و صادرات آن) در آن دارد. به همین خاطر است که بسیاری از تحلیلگران به این نتیجه رسیده‌اند که برای کاهش فشارها بر سیاست خارجی ایران و افزایش ضریب تحصیل منافع ملی لازم است این وضعیت (وابستگی تمام به نفت) مدیریت و حل گردد. در این ارتباط بررسی انتقادی تجارب تاریخی ایران ضروری است که در ادامه مقاطع اصلی و گزاره‌های راهبردی ناشی از آن، می‌آید:

دوره اول. از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ (حرکت جمعی و منافع ملی): در این دوره، نفت بر سیاست خارجی ایران تأثیر قاطعی داشت. از آنجا که توسعه اقتصادی و نظامی ایران در گرو امنیت تقاضا و قیمت جهانی نفت بود، هرگونه نوسان در این مورد، تأثیر قاطعی را

بر روند رشد اقتصادی کشور می‌گذاشت. پس از تأسیس اوپک، حکومت ایران خود را با یک جریان مساعد بین‌المللی روبه‌رو دید که در جهت افزایش قیمت نفت حرکت می‌کرد، ایجاد شرایط مناسب افزایش قیمت نفت، حکومت ایران را بر آن داشت به تلاش خود در تحرک بیشتر اوپک بیافزاید (اطاعت و نصرتی ۱۳۹۲، ص. ۲۷۷).

دوره دوم. از دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ (بازتولید سیاست‌های پیشین): سیاست خارجی ایران در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۵۷ تا ۵۹ در عمل و به نوعی استمرار و تداوم سیاست خارجی دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود. تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران در این دوره مایل به ایجاد و ارتقای روابط با تمام کشورهای دیگر به استثنای اندکی از کشورها بودند. در این دوره بافت فکری و فضای غالب، معطوف به ارزش‌های ملی و با هدف مدرنیزه کردن کشور بود. ایشان سیاست و نظریه نه شرقی و نه غربی را همسو با موازنه منفی دکتر مصدق توجیه و تفسیر می‌کردند (تقی‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۶۳۱). البته تجارب تاریخی نشان داد که وقوع تحولات بنیادین در مناسبات ایدئولوژیک و قدرت، عملاً امکان تحقق این راهبرد را فراهم نساخت و قدرت‌های معارض، جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های جدی روبرو ساختند. البته با پیروزی انقلاب اسلامی، دولتمردان جمهوری اسلامی بر آن بودند تا با اتخاذ مواضعی، ضمن رفع نیازهای ارزی و تکنولوژیکی خود، رویکرد فاصله‌گیری از غرب و کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، استقلال سیاسی و اقتصادی خود را تا حد ممکن جامه عمل بپوشانند (محمدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۹). لذا یکی از نخستین اقدامات دولت پس از انقلاب در ایران، لغو یکجانبه قرارداد سن موریتس بود که به واسطه آن شرکت‌های عضو کنسرسیوم به خریدار عمده نفت ایران تبدیل شده بودند (میرترابی، ۱۳۸۴، ص. ۹۱).

جدول شماره (۲): کارکردهای سیاست خارجی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی: ۱۳۶۰-۱۳۵۷

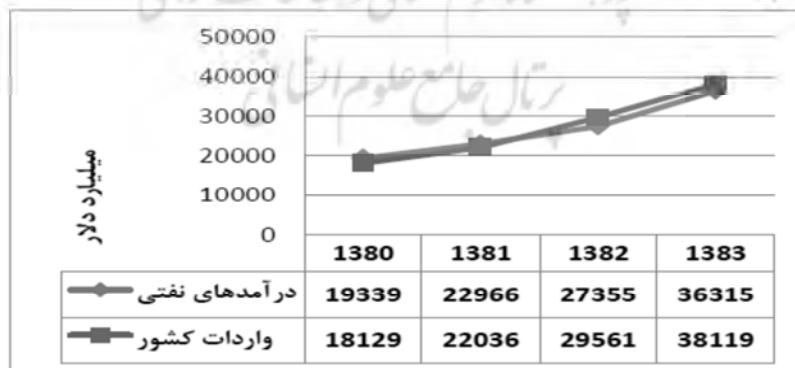
کارکردهای سیاست خارجی ایران در سطح بین‌المللی	کارکردهای سیاست خارجی ایران در سطح منطقه‌ای	
(۱) اعلام سیاست عدم تعهد (۲) قطع رابطه با آمریکا (۳) برقراری روابط همکاری‌جویانه با مسکو	(۱) خارج شدن از پیمان سنتو (۲) قطع رابطه با اسرائیل (۳) الغاء قرارداد کاپیتالاسیون (۴) دفاع از جنبش آزادی خواه فلسطین	۱۳۶۰-۱۳۵۷

کارکردهای سیاست خارجی ایران در سطح بین‌المللی	کارکردهای سیاست خارجی ایران در سطح منطقه‌ای	
(۴) قطع رابطه با آفریقای جنوبی (۵) قطع رابطه با مصر (۶) لغو خرید تسلیحاتی از آمریکا (۷) برقراری روابط دیپلماتیک با کوبا (۸) لغو قرارداد ۱۹۲۱ با اتحاد جماهیر شوروی	(۵) لغو معاهدات و خریدهای تسلیحاتی (۶) بهبود رابطه ایران و سوریه	

(منبع: اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۲، ص. ۲۷۱)

دوره سوم. دهه ۱۳۸۰ (نگاه به بازار انرژی در شرق): در دهه ۱۳۸۰ جغرافیای مصرف نفت نیز دچار دگرگونی شد. در دهه ۵۰ (شمسی) عمده مصرف کننده نفت را کشورهای غربی تشکیل می‌دادند ولی دهه ۸۰ (شمسی) بازارهای جدید و مهمی در آسیا ظهور یافته‌اند که تا دو دهه پیش حتی نامی از آنها نبود. همین مسئله باعث شده است تا جنگ قدرت تازه ای در بازار جهانی انرژی شکل گیرد، که مرکز ثقل آن خلیج فارس بود. اگر چه کشورهای صنعتی هنوز هم مصرف‌کنندگان اصلی انواع انرژی هستند، اما کشورهای آسیایی هم به عنوان گول‌های بزرگ مصرفی سر برافراشته‌اند (برکشلی، ۱۳۸۵، ص. ۵). این امر خود یکی از عوامل مهم جهت‌گیری سیاست خارجی ایران به سمت شرق هم بوده است. سیاست خارجی ایران در این دهه توسط دولت‌های هشتم و نهم راهبری گردیده است و بنابراین با دو رویکرد متفاوت روبرو هستیم.

نمودار شماره (۶): درآمدهای نفتی و واردات کشور (۱۳۸۰-۱۳۸۳)، (میلیارد دلار)



(منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، ص. ۲۳۸)

در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، استراتژی تعامل سازنده به عنوان راهنمای سیاست خارجی ایران مورد تأکید قرار گرفت. دولت خاتمی با آگاهی از توانمندی ایران به عنوان یکی از بزرگترین دارنده ذخایر نفتی دنیا و چهارمین تولیدکننده این ماده حیاتی و ضرورت ارتقاء جایگاه کشور؛ سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده با کشورهای عمده مصرف‌کننده را مطرح نمود. سیاست تنش‌زدایی منجر به تعامل با شرکت‌های بین‌المللی صنعت نفت و گاز شد (اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۲، ص. ۳۵۱).

جدول شماره (۳): توزیع جغرافیایی صادرات نفت خام ایران: ۱۳۸۰-۱۳۸۴ (درصد)

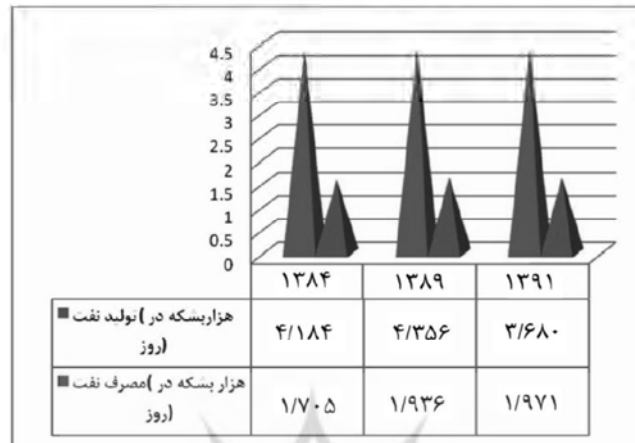
سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	منطقه
	۴۱/۸	۳۵/۱	۳۳/۸	۳۵/۸	آسیا و خاور دور به استثنای ژاپن
	۲۳/۷	۲۵/۹	۲۴/۹	۲۰/۶	ژاپن
	۱۴	۱۱/۱	۱۰/۵	۲۵/۸	اروپای غربی
	۶/۹	۷/۲	۶/۶	۷/۴	آفریقا
	۱۳/۶	۲۰/۷	۲۴/۲	۱۰/۴	سایر مناطق
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

(منبع: خلاصه تحولات اقتصادی کشور؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴)

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در رابطه با سیاست خارجی ایران بعد از روی کار آمدن دولت نهم با جدیت دنبال می‌شود، بحث سیاست نگاه به شرق و گسترش مناسبات ایران با کشورهای آسیایی است که آقای احمدی‌نژاد بر آن تأکید زیادی داشت. در واقع عدم دستیابی به بازده مناسبی از روابط ایران با کشورهای غربی در پرتو استمرار خصومت آمریکا با ایران موجب شد تا گسترش روابط ایران با شرق مورد توجه قرار گیرد (نک. www.csr.ir).

در این دوره ایران در راستای اجرای تعهدات کاهش تولید نفت خود در سازمان اوپک، ۱۴ درصد از تولید نفت خام خود کاست. بیشترین سهم این کاهش مربوط به شرکت‌های اروپایی است که حدود هشت شرکت اروپایی خریدار نفت خام ایران هستند. همچنین با دستور احمدی‌نژاد برای افزایش معاوضه نفت خام (سوآپ)، شرکت ملی نفت ایران تلاش کرد حجم معاوضه نفت خام از کشورهای آسیای مرکزی را از حدود ۳۰۰ هزار به ۱۰۰ هزار به بشکه در روز برساند. هدف از افزایش معاوضه نفت خام، افزایش مبادلات با کشورهای آسیای مرکزی و روسیه بود (ایرنا، ۱۳۸۷/۱۱/۲۰).

نمودار شماره (۷): میزان تولید و مصرف نفت ایران، ۱۳۸۴-۱۳۹۱



Bp statistical Review of world Energy 2016

بر اساس گزارش بانک مرکزی (۱۳۹۶) دولت یازدهم در سه سال اول عمر خود ۴۹۳ هزار میلیارد تومان از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی درآمد داشته است. درآمد صادرات غیرنفتی دولت یازدهم در طی ۳ سال ۳۱۰ هزار میلیارد تومان درآمد حاصل از صادرات خدمات ۱۰۷ هزار میلیارد تومان بوده است.

نمودار شماره (۸): مقایسه درآمد ارزی ناشی از نفت در دولت دهم و یازدهم



۶. تحلیل یافته‌ها

منابع نفت و گاز در قرن بیست و یکم از اهمیت و جایگاه والاتری برخوردار شده است. در این سده، جغرافیای انرژی یا انرژی‌سالاری و انرژی‌محور در روابط همه کشورهای جهان نقش اساسی دارد. کشور ایران هم، به دلیل واقع شدن در کانون دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر که بیش از ۷۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز) جهان را به خود اختصاص داده است، نقش «ژئواکونومی» ویژه‌ای در قرن ۲۱ بازی خواهد کرد و در برقراری امنیت منطقه و همین‌طور کمک به تأمین صلح و ثبات بین‌المللی و در قرن بیست و یکم نقش کلیدی خواهد داشت. بر این اساس، ایران در برابر چالش‌های سیاسی و اقتصادی پیش آمده، در سطح منطقه و جهان، باید به تدوین یک ساختار ژئوپلیتیکی اقدام کند که هم جوابگوی مشکلات و مطالبات منطقه‌ای و جهانی باشد و به بهترین روش برآورنده منافع ملی باشد (کاوایانی و ویسی، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۰). در این خصوص گزاره‌های راهبردی زیر درخور توجه است:

گزاره (۱). افزایش ضریب پایداری در سیاست خارجی کشور: تاریخچه تغییرات در صنعت نفت کشور جمهوری اسلامی ایران، از نخستین استخراج و بعد از آن در پی ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد در ایران ادامه یافته است؛ ارزیابی ارتباط سیاست خارجی و انرژی در روند تاریخی تغییرات در صنعت نفت قبل از انقلاب اسلامی در ایران، با افزایش تولید و استخراج نفت و روند صعودی قیمت نفت، باز هم سیاست خارجی ایران در برابر کشورهای مصرف‌کننده انرژی خصوصاً آمریکا، تأثیر زیادی بر اقتصاد و سیاست بین‌الملل ایران گذشت. تا آنجا که در سنجش ارتباط انرژی و سیاست، این مسئله یکی از مهم‌ترین علل ورشکستگی اقتصاد ایران و ایجاد زمینه رشد انقلاب اسلامی در ایران معرفی شده است (کوپر، ۱۳۸۷). کلیدی‌ترین مشکل توسعه صنعت نفت ایران، به اعتقاد اندیشمندان ایرانی، علاوه بر وجود اختلاف اساسی با کشورهای خریدار نفت در جهان، نبود پایداری لازم سیاست خارجی ایران در منطقه و خصوصاً کشورهای نام برده است. راهکار ارائه شده از سوی این اندیشمندان، پدید آوردن پایگاهی جهت تصمیم‌گیری مهم، اساسی و بلندمدت در حوزه انرژی در قالب مجموعه اسناد چشم‌انداز بلندمدت با تضمین اجرای قابل اتکاء است تا این تصمیمات از حوزه فردمحوری و

تأثیرپذیری از دگرگونی‌های کوتاه‌مدت سیاست داخلی و یا خارجی بیرون برود (پوراحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸).

گزاره (۲). ریسک سرمایه‌گذاری در قالب انرژی روند افزایشی داشته است: برای مثال تأثیرات ناپایداری سیاست خارجی بر پیشرفت صنایع نفت و گاز، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری به به دنبال دارد. برای مثال شرکت‌ها و مؤسسات بین‌المللی مربوطه، سرمایه‌گذاری کشورهای رقیب ایران در حوزه تولید انرژی مثل قطر، عربستان سعودی، عراق و خلیج مکزیک را دارای سود بالاتری می‌دانند. حتی اگر سرمایه‌گذاری در ایران با توجه به ریسک سرمایه توجیه‌پذیر باشد، قوانین بین‌المللی مانند تحریم‌های ظالمانه آمریکا، این شرکت‌ها را از سرمایه‌گذاری در ایران باز می‌دارد. موضوعی که باید به نحوی مدیریت و حل گردد (نک. پوراردبیلی، ۱۳۸۹).

گزاره (۳). سرمایه‌گذاری و اتکاء بر توان داخلی برای تولید فراورده‌های نفتی تا صادرات نفت خام: سیاست جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به منابع نفتی در پی یافتن روش‌های جدید در سیاست خارجی باید باشد که راه را برای تبدیل شدن به یک قطب مستقل قدرت، حداقل در خاورمیانه فراهم آورد. چرا که وجود بازارهای مصرف غیرقابل اعتماد نظیر چین یا وابستگی به نهادهایی نظیر اوپک که همواره تحت کارشکنی عربستان سعودی است، نمی‌تواند زمینه قوت ایران را در فعالیت‌های مربوط به دیپلماسی انرژی فراهم کند. با پیروزی انقلاب اسلامی کاستی نظام نفتی وابسته آشکار شد. ورشکستگی نظام بانکی به دلیل پرداخت بی‌اساس اعتبارات و خارج کردن سرمایه از کشور، اولین واکنش قابل پیش‌بینی اقتصاد مریض و وابسته بود. سرمایه‌داران وابسته با احساس ناامنی، اقدام به فروش سرمایه‌های منقول و غیرمنقول خود کرده و به تعطیلی مؤسسات تولیدی دامن زدند. تحریم اقتصادی از سوی آمریکا و کشورهای غربی دیگر، مشکلات را چند برابر کرده و اقتصاد وابسته را از دو سو تحت فشار قرار داد، بدون مشتری ماندن نفت ایران و کاهش درآمد نفتی جمهوری اسلامی ایران از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۸ به ۱۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۹ از یک سو و عدم تأمین به موقع مواد اولیه، قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز، از دیگر سو موجب وارد آمدن ضربه‌ای مهلک بر صنایع وابسته شد. به دنبال انتقال سرمایه‌های تولیدی از بخش‌های کشاورزی، صنعت و ساختمان به حوزه

خدمات (عمدتاً توزیع کالا)، افزایش شدید و کاذب قیمت‌ها پدیدار شد. روند رو به رشد قیمت‌ها، سودآوری در بخش تجارت و دست به دست شدن کالا را اثبات کرد، به خصوص که در فعالیت، گریز از پرداخت مالیات، آن هم با وجود قوانین و فرهنگ مالیاتی حاضر به سهولت قابل انجام بود. بنابراین با انتقال سرمایه‌های بزرگ و کوچک به این حوزه، شکافی بزرگ بین تولید و واردات کالا نسبت به میزان مصرف، به وجود آمد و به طور کلی امور گفته شده اقتصاد کشور را به طور آشکاری تحت تأثیر قرار داد (رزاقی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). تمام این شواهد نشان از ضرورت تقویت توان و تولید ملی دارد.

گزاره (۴). رهاسازی سیاست خارجی از وابستگی نفتی و فعال شدن آن: وابسته بودن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران از دو منظر می‌تواند در سیاست خارجی کشور موثر واقع شود. اولاً خودکفایی نفتی ممکن است سیاست خارجی را به سمت انزواگرایی همراه با تجدیدنظرطلبی بکشاند، ثانیاً برعکس، اقتصادی شدن سیاست خارجی برآمده از سیاست‌های انرژی، عاملی تأثیرگذار در راه سیاست خارجی برون‌گرایی و سیاست حفظ وضع موجود از سوی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۹). با آغاز تجاوز نظامی عراق به ایران در شهریور ماه ۱۳۵۹ بحران شدید دیگری بر بازار نفت حاکم شد و بار دیگر قیمت‌ها رو به افزایش گذاشت. جنگ سبب شد اوپک شاخص بهای نفت خود را تا ۳۲ دلار در هر بشکه افزایش دهد که البته اعضای سازمان عملاً مختار بودند بین ۴ تا ۹ دلار نفت خود را گران‌تر به فروش برسانند؛ در این زمان ایران بهای نفت خود را تا ۳/۷ دلار در هر بشکه افزایش داد.

با توجه به اینکه بعد از جنگ نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی برای بهبود وضعیت اقتصاد کشور به شدت احساس می‌شد، مسئولان کشور از انزواگرایی‌ای که در زمان بعد از انقلاب اسلامی در سیاست خارجی اتخاذ کرده بودند به سمت همکاری با کشورهای منطقه و خارج از منطقه روی آوردند و حتی با وجود محدودیت‌های موجود در قانون اساسی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، به تعدیل این سیاست‌ها در قالب قانون بیع متقابل پرداختند و بعد از جنگ تحمیلی تا به امروز روند سرمایه‌گذاری خارجی رو به افزایش نهاده است.

سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۶۹ که دوران بازسازی و اجرای برنامه اول و دوم توسعه بود، رشد نسبی سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز کشور انجام پذیرفت. با وجود نوسانات

سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز کشور بعد از جنگ تحمیلی از سال ۱۳۷۲، روند سرمایه‌گذاری به طور مداوم سیر صعودی خود را تا سال ۱۳۷۶ حفظ نمود. اما در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ (به جز اوایل ۱۳۷۸) ارزش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز کاهش یافت. کاهش ۴۰ درصدی سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز (به قیمت‌های ثابت) در سال ۱۳۷۷ بسیار نگران‌کننده بود با این وجود طی دوران مذکور، نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری ۱۵/۵ درصد بود که این رشد منجر به افزایش ظرفیت تولید نفت، نزدیک به ۴ میلیون بشکه در روز و افزایش سهم ایران در اوپک به میزان ۱۴ درصد شد. همچنین در زمینه تولید گاز طبیعی و محصولات عمده پتروشیمی، توفیقات قابل توجهی حاصل گردید، به طوری که سالانه گاز طبیعی به ۵۰ میلیارد متر مکعب و محصولات پتروشیمی به ۱۱/۸ میلیون تن افزایش یافت. ایران در فاصله سال‌های ۱۳۷۴ تا پایان ۱۳۸۲، در مجموع ۱۸ قرارداد در قالب بیع متقابل برای توسعه بخش نفت و گاز امضا کرد و از این طریق سرمایه‌های خارجی را جذب می‌کرد. در این مدت فقط در بخش بالادستی نفت ۴/۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده که در نوع خودش پیشرفت قابل توجهی می‌باشد اما این پیشرفت سرمایه‌گذاری را در سال‌های ۱۳۸۴ به بعد نیز مشاهده می‌کنیم.

همه این شواهد دلالت دارد نفت به عنوان یک ابزار قدرتمند، جایگاهی بس عظیم در پیشبرد دیپلماسی سیاسی - اقتصادی ایران و تضمین امنیت ملی کشور از طریق توسعه همکاری‌ها و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. صنعت نفت یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های اقتصاد ایران به شمار می‌رود به طوری که بخش عمده‌ای از بودجه کل کشور از بخش نفت تأمین می‌شود. بنابراین مناسب است ضمن حفظ استقلال بودجه کشور از درآمدهای نفتی، زمینه توسعه اقتصادی پایدار بومی را فراهم نمود (تقفی عامری و احدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۷).

نتیجه‌گیری

منبع انرژی و سیاست‌های اقتصادی منبث از آن، نقش مهمی در تعیین نحوه روابط خارجی و تعاملات ایران با بازیگران دیگر جهانی ایفا می‌کند. لذا این اقتصاد (تک محصولی)، روش‌هایی ویژه از تعاملات خارجی را می‌طلبد. نیاز کشور به بازارهای جهانی، به قصد نوسازی و توسعه از طریق صدور انرژی و جذب سرمایه خارجی، تثبیت

قیمت‌ها و تأمین امنیت انرژی، مشارکت در ساخت خطوط انتقال انرژی، جمهوری اسلامی را به تأمل جدی در خصوص تعریف، استقرار و استمرار سیاست خارجی‌ای فعال، هوشمند و کارآمد رهنمون شده است. در این چشم‌انداز مسئله انرژی و ژئوپلیتیک انرژی، عامل اصلی در طراحی جدید و نوین ایران برای سیاست خارجی می‌باشد. با مشاهده نقشه منابع انرژی درمی‌یابیم که منطقه کوچک و بیضی‌شکلی از حوزه خلیج فارس تا حواشی خزر ۷۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان را در خود جای داده است، بنابراین خاورمیانه به عنوان پشتوانه قلمروهای ژئواستراتژیک انتخاب شده است که در آن نقش ایران کلیدی و اساسی است. اما استراتژی ایالات متحده برای کوتاه کردن دست ایران از مناطقی است که سهم این کشور هستند. این کار از راه درگیر کردن یک کشور ماورای منطقه‌ای مثل ترکیه و مسائل انرژی دریای خزر به زیان ایران انجام می‌شود. تلاش‌های ایران برای برداشتن و بیرون آمدن از محاصره اقتصادی و استراتژیک آمریکا به صورت اقدامی مهم است که در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی توجه دولت‌ها را به جایگاه ارزنده ژئوپلیتیک ایران در میان مهم‌ترین انبارهای انرژی در قرن بیست و یکم، یعنی «خلیج فارس و دریای خزر» معطوف می‌دارد؛ به طوری که برخی از ناظران آمریکایی در امور ژئوپلیتیک، آمیزه‌ای از دو منبع انرژی در دریای خزر و خلیج فارس را «بیضی استراتژیک انرژی» نام‌گذاری کرده‌اند که ایران در میان این دو مخزن قرار گرفته است. ایران موقعیت جغرافیایی‌اش را بین این دو منبع تأمین انرژی قرن ۲۱، مورد توجه قرار داده و برای پیوند این دو منطقه به هم، بر پیشینه کردن نقش خود در منطقه پافشاری می‌کند.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله از رساله دکتری اقتباس شده است. عنوان: ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران (۱۳۹۶-۱۳۵۷) استاد راهنما: دکتر حسین کریمی فرد؛ اساتید مشاور: دکتر بهرام یوسفی و دکتر فریدون اکبرزاده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

2. Alfred Thayer Mahan
3. Nicholas Spykman
4. Jeffrey Camp
5. Suel B. Cohen
6. Cutler J. Cleveland
7. Robert K. Kaufmann
8. Debin Fang, Shanshan Shi and Qian Yu

۹. اطلاعات اولیه مربوط به تهیه این بند از سایت‌های زیر دریافت شده است:
www.mop.ir, www.farsnews.com, www.farsnews.com

کتابنامه

- اطاعت، جواد و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک نفت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات علم.
- برکشلی، فریدون (۱۳۸۵). «دغدغه‌های بخش انرژی»، بررسی‌های اقتصاد انرژی. ۲(۶)، ۴۶-۳۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- پوراحمدی، حسین و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸). «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی. ۵(۱۰)، ۴۰-۵.
- پوراردبیلی، کاظم (۱۳۸۹). ارائه در مورد تعامل تولیدکننده و مصرف‌کننده در اوپک، دانشکده مهندسی انرژی. دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۹/۲/۶.
- ترکمان، ابراهیم (۱۳۹۲). «تأثیرات امنیتی - اقتصادی ژئوپلیتیک جدید ایران در آسیای مرکزی ۲۰۱۳-۱۹۹۱». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
- تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۷۹). رابطه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و توسعه صادرات معنوی. (رساله دکتری علوم سیاسی)، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
- ثقفی عامری، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۷). ایران و سیاست نگاه به شرق. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹). *مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی*. قم: انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۲). *جزوه درسی درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک*. (دوره کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (با ویرایش جدید)*. مشهد: انتشارات پاپلی.
- درايسدل، آلاسداير و بلیک، جرالد (۱۳۷۰). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا* (دره میرحیدر، مترجم)، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*. ۳۹(۳)، ۲۴۵-۲۲۱.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۸). *اقتصاد ایران*. تهران: نشرنی
- قالیباف، محمداقبر؛ یعقوبی، سیدمحمد و محمودی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). «تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*. ۱۰(۳۵)، ۷۵-۵۶.
- کاویانی، مراد و ویسی، هادی (۱۳۸۴). «انتقال گاز ایران به جنوب و جنوب شرق آسیا»، *مجموعه مقالات دومین کنفرانس انجمن ژئوپلیتیک ایران*. دی ماه.
- کمپ، جفری و رابرت، هارکاو (۱۳۸۶). *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه* (مهدی حسینی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوپر، آندرواسکات (۱۳۸۷). «راند آخر در دوحه: معامله نفتی محرمانه‌ای که به سقوط شاه یاری رساند» (احسان نوروزی، مترجم)، *هفته نامه ایران در جهان*. آذرماه.
- کوهن، ساموئل برنارد (۱۳۸۷). *ژئوپلیتیک نظام جهانی* (عباس کاردان، مترجم). مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، کتاب مرجع.
- گل کرمی، عابد و کریمی پور، یدالله و متقی، افشین و ربیعی، حسین (۱۳۹۷). «تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*. ۵(۴۹)، ۱۲۸-۱۰۳.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). «سه ضلعی نفت - سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، *مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- محرابی، علیرضا؛ صفوی، سیدیحیی و مهدیان، حسین (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی در تأمین امنیت ملی ایران از منظر سه رویکرد امنیت ملی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۹(۲۹)، ۵۸-۳۲.

محمدزاده، مهدی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر مؤلفه‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشکده وزارت امور خارجه.

مهدیان، حسین و فخری، سیروس (۱۳۹۰). «ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت غرب»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۴۴(۴)، ۶۴-۴۵.

میرترابی، سعید (۱۳۸۴). مسائل نفت ایران. تهران: نشر قومس.

ویسی، هادی (۱۳۸۷). «جایگاه خلیج فارس در تحولات ژئواکونومیکی جهان»، فصلنامه علوم سیاسی. ۱۲(۴۶)، ۹۳-۱۲۰.

یزدانی، عنایت‌الله و شجاع، مرتضی (۱۳۸۶). «ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه و رقابت قدرت‌ها»، فصلنامه دانش سیاسی. ۳(۶)، ۸۵-۱۱۱.

- Cleveland, Cutler J. and Kaufmann, Robert K. (2003). Oil supply and oil politics-Energy Policy 31.
- Cohen, Sual B. (1994). *Geopolitics in The New World Era. Chapter 2 Form Reordering The World*. Edited By: George J. Demko And William B. Wood USA: West view Press.
- Chris, Lo (2018). *Power plays: the role of energy in modern geopolitics*. Future Power of Technology.
- Debin Fang, Shanshan Shi and Qian Yu (2018). *Evaluation of Sustainable Energy Security and an Empirical Analysis of China*. www.mdpi.com/journal/sustainability.
- Gonzalo, Escribano (2018). Energy in 2018: geopolitical tensions OPEC+ and Trump Year II, [http:// www. IEA. Org](http://www.IEA.Org).
- Hon Gary Hart (2014). *Report on, Energy Geopolitics: Challenges and Opportunities*. International Security Advisory Board.
- Henry, Tricks (2018). *The new power superpowers Clean power is shaking up the global geopolitics of energy*. This article appeared in the Special report section of the print edition under the headline "The new power superpowers".
- National energy policy (16 may 2001). Report of the national Energy policy Development Group.
- Taylor, Peterj. (1994). *Political Geography*. England: Longman Scientific and Technical; World Oil 2018-2050: World Energy Annual Report.